

**بررسی آثار منظوم بوعلی سینا
(در زبان عربی و فارسی)**

دکتر علی طاهری *

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

چکیده :

قطعاً یکی از جنبه های مهم شخصیت ابن سینا ، حکیم ، فیلسوف و طبیب جهانی ایرانزمین که در سایر شهرت و اهمیت او در حکمت و طب از نظرها پنهان مانده توانایی شگرف او در شاعری و سخنوری است و با وجود این که اشعار زیادی به زبانهای عربی و فارسی از جمله قصائد ، رباعیات و ارجوزه های مختلف طبی و منطقی از ایشان به جا مانده اما متأسفانه این فضیلت شیخ الرئیس کمتر مورد عنایت محققان و نویسندگان واقع شده است لذا در این مقاله سعی خواهد شد که آثار منظوم ابن سینا و برخی موضوعات مطرح شده در آن از قبیل شکایت از روزگار و حسودان ، فخر ، پیری ، مرگ ، شراب ، نفس و اشعار تعلیمی یا ارجوزه های علمی وی ابتدا معرفی و سپس مورد نقد و بررسی قرار گیرد ، ضمناً این مطلب اثبات می شود که وی مبدع ارجوزه های طبی است و این فضیلت از آن ایشان است که آغازگر یک حرکت ادبی در حوزه علم طب گشته و دیگران نیز به تبعیت از ابتکار وی در باب پزشکی - تغذیه و اموری از این قبیل ارجوزه هایی سروده اند .

کلید واژه ها :

فلسفه - طب - ارجوزه - نفس - رباعیات - خمیره - مفاخره .

* همدان ، خیابان تختی ، کوچه شهید اسدیار پلاک ۲۴ تلفن ۲۶۷۹۴۳۸ - ۰۸۱۱

آدرس الکترونیکی : taheri.321@yahoo.com

مقدمه

شیخ الرئیس ابوعلی حسین ابن عبدالله سینا پزشک ، فیلسوف و نویسنده ایرانی از بزرگترین حکیمان و عالمان جهان به شمار می آید . پدرش اهل بلخ بود ، ابتدا در بخارا پرورش یافت و در ده سالگی قرآن و بسیاری از علوم را فرا گرفت و منطق و هندسه اقلیدس و المحبسطی را نزد ابو عبدالله الناتلی که از رجال مشهور قرن چهارم بود آموخت پس از آن به مطالعه علم الهی و طبیعی و طب و ریاضی پرداخت و در ۱۸ سالگی از تحصیل علوم فارغ شد و در پی معالجه نوح بن منصور شاه سامانی به دربار سامانیان راه یافت و در پی آشنایی اوضاع سامانیان به گرگان پایتخت امرای مأمونیه خوارزم رفت و به خدمت خوارزمشاه علی بن مأمون محمد رسید و نزد او تقرب یافت . پس از گرگان به ری و همدان رفت و حدود ۳ سال در همدان ماند . سپس به دربار فخر الدوله دیلمی راه یافت وی سالهای اخیر عمر خود را در اصفهان در حمایت علاء الدوله کاکویه گذراند و در سفری که همراه امیر مذکور به همدان می رفت در طی راه مریض شد و در همدان درگذشت و در همانجا مدفون گشت آثار بوعلی سینا بسیار متعدد است و در حدود ۲۴۰ کتاب و رساله از وی نام می برند که بسیاری از آنها به زبانهای مختلف ترجمه شده است .

از معروفترین آثار وی کتاب شفا (شامل چهار بخش : ۱ - منطق ۲ - طبیعیات ۳ - تعلیمیات ۴ - الهیات) . قانون ، اشارات ، کتاب النجاة و دانشنامه علایی است .

شیخ علاوه بر مقام شامخی که در علوم مختلف داشت دارای مقام ادبی قابل توجهی نیز بوده است . از جمله رساله های ادبی وی کتاب اسباب حدوث الحروف یا مخارج الحروف است که توسط پرویز خانلری به فارسی ترجمه و در سال ۱۳۴۷ در سلسله انتشارات بنیاد فرهنگ ایران چاپ شده است . قصائد ، رباعیات و قطعاتی به عربی و فارسی به وی منسوب است که در خلال تذکره ها و مجموعه های ادبی بطور پراکنده به آن اشاره می شود .

موضوعات شعری وی شکایت از روزگار و مردم حسود ، یاد مرگ ، روح و رابطه آن با جسم و . . . می باشد .

البته شاعر بودن ابن سینا امری طبیعی بوده و دور از انتظار نیست زیرا شخصیتی ذوفنون همانند وی که جنبه های مختلف معرفت بشری را وجهه همت خویش قرار داده و تفوق خود را در اکثر علوم زمانه به اثبات رسانده در دورانی می زیسته که اوج ازدهار و شکوفایی شعر و ادب و عصر ابوالعلاء متنبی و بدیع الزمان بوده و دور از انتظار نمی باشد که وی در میدان شعر و ادب ، اندیشه و هنر خود را به جولان در آورده باشد^۱ همانند کاری که در باب موسیقی انجام داده است بنابراین قصائد ، قطعات و ارجوزه هایی در موضوعات مختلف سروده گرچه در سرودن شعر همت و جدیت طب و فلسفه را به خرج نداده است .^۲

خاورشناس انگلیسی ((براون)) می گوید " ابن سینا شاعری در میان شعرای زبان فارسی است " خاورشناس دیگری به نام ((Etbe)) وی را شاعر غنایی فارس زبانی می داند که اشعاری در باب غزل و خمر و رباعیاتی به سبک رباعیات خیام دارد و ۱۵ قطعه شعری برگرفته از منابع مختلف از وی نقل می کند که شامل ۱۲ رباعی و دو بیت شعر و دو قصیده در زمینه غزل و خمر است که مجموع آنها از ۴۰ بیت تجاوز نمی کند که تمامی آنها را به آلمانی ترجمه کرده و در مجله **Gottingen Nachrichten** در سال ۱۸۷۵ به چاپ رسانده است .^۳

بنا به اعتقاد آقای علی اصغر حکمت مجموع ابیات منسوب به شیخ الرئیس شصت و پنج بیت در بیست و دو قطعه و رباعی می باشد که در تذکره ها به نام وی ثبت گردیده مانند تذکره آشکده آذر ، تذکره محمد صادق معروف به ناظم تبریزی و مجمع الفصحاء و ریاض العارفین و نامه دانشوران و مجالس المومنین و کشکول شیخ بهاءالدین عاملی .^۴

اما اگر ارجوزه های طبی و منطقی ابن سینا را به مجموعه اشعاری که به وی نسبت داده شده بیفزائیم تقریباً می توانیم اشعار فارسی و عربی ابن سینا را بیش از دو هزار بیت فرض کنیم که به عنوان مثال تنها ارجوزه طبی وی حدود ۱۳۱۶ بیت می باشد که در جای خود به آن خواهیم پرداخت .

البته بخش اندکی از اشعار شیخ در سال ۱۹۱۰ در مصر همراه با کتاب منطق المشرقیین وی به چاپ رسیده است ولی در بردارنده تمامی اشعار منسوب به ایشان نمی باشد . الاب جورج شحاته قنواتی در کتاب ((مولفات ابن سینا))^۵ آثار شیخ الرئیس را در زمینه شعر اینگونه معرفی می کند :

۱) الشفاء - بخش نخست - فن نهم شامل :

الف - در مطلق شعر و انواع ساختارهای شعری

ب - در انواع اعراض و محاکات کلیه شعر

ج - در اخبار از کیفیت شعر

د - در مناسبت مقادیر ابیات با اغراض

ه - در حسن ترتیب شعر

و - در اجزاء اطراغوذ

ز - در تقسیم الفاظ و هماهنگی آن با انواع شعر

ح - در وجوه تقصیر شاعر

۲) ارجوزه فی المنطق (الرجز المنطقی = میزان النظر = القصیده المزدوجة = القصیده المصرفة)

۳) العروض

۴) فویطیقا که همان کتاب شعریات است (کتاب فی الشعریات)

۵) القضايا فی المنطق

۶) اشعار الشيخ (بخش عربی اشعار وی بعد از منطق المشرقیین در قاهره سال ۱۹۳۸ چاپ شده)

۷) القصيدة العينية الروحیة فی النفس (۲۱ بیت)

۸) ارجوزة فی التشريح

با مطلع : الحمد لله على تهذیبی و عصمتی من امم تهذی بی

۹) ارجوزة فی المجربات فی الطب

۱۰) ارجوزة فی الطب (الالفیة الطبیة المشهورة)

۱۱) ارجوزة فی الفصول الاربعة

۱۲) ارجوزة فی الباء (= اسباب انحطاط قوة الباء)

۱۳) ارجوزة فی الطب فی حفظ الصحة (۱۵۱ بیت)

با مطلع : اسمع جمیع وصیتی و اعمل بها فالطب مجموع بنظم کلامی

۱۴) ارجوزة فی الوصایا الطبیة (در تعیین اوقات مصرف داروها)

۱۵) ارجوزة لطیفه فی وصایا ابقراط (۹۳ بیت)

۱۶) فوائد الزنجبیل (۲۳ بیت)

۱۷) وصیة حفظ الصحة

۱۸) مفیدتان فی حفظ الصحة (۸ بیت)

۱۹) الجماتة الالهیة فی التوحید (القصيدة النونیة) (۳۳۴ بیت)

۲۰) قصيدة (۳۳ بیت)

۲۱) ارجوزة فی تدبیر الصحة :

با مطلع : الحمد لله اللطیف الكافی الواحد الفرد حکیم الشافی

و بعد فالصحة فی الابدان عون علی عبادة الرحمن

۲۲) ارجوزة فی حفظ الصحة :

با مطلع : الطب حفظ صحه برء مرض من سبب فی بدن عنه عرض

موضوعات اشعار ابن سینا

ابن سینا در اشعار فارسی و عربی خود موضوعات مختلفی را مطرح کرده و به مساله نفس و

ارتباط آن با بدن ، حکمت ، زهد ، پیری ، خمر ، زن ، فلسفه حیات ، شکوه از روزگار و حسودان

مناجات، وصف عشق ، کرم ، مرگ و غیره پرداخته است .^۶

گرچه در اکثر این موارد جدیت کافی به خرج نداده و همت خویش را مصروف به آن نداشته است. اما آنچه که از این قبیل به دست ما رسیده است تا حدودی ویژگیهای شعر ابن سینا را بر ما روشن می سازد.

قصیده عینیه او با مطلع: ((هبطت الیک من المحل الرفع و رفاء ذات تعزز و تمنع)) درباره ارتباط نفس با بدن که با بیانی نمادین و ادبی پرداخته شده شهرت جهانی دارد حتی برخی از شعرای بزرگ عرب مانند احمد شوقی به تقلید از این قصیده عینیه هایی سروده اند و این قصیده به زبان فرانسه هم ترجمه شده است. بررسی اختصاصی این قصیده و شروح مختلفی که بر آن نوشته شده فرصت دیگری می طلبد. ابن سینا علاوه بر عینیه مشهور خویش قطعات دیگری نیز در باب نفس سروده است که از آن جمله است:

انما النفس كالزجاجه و العـ
م سراج و حکمة الله زيت

فاذا اشـرقت فانک حیّ
و اذا اظلمت فانک میت^۷

که این معنی برگرفته از آیه کریمه ((الله نور السموات و الارض)) در سوره نور می باشد و نیز فرموده:

تهـیـات لان تکون عالما
مـصـوراً من کل شی محکما
اشرف من ذی العالم المحسوس
میراً من طیـنه و سوس
فیه الـکـمال بل هو الـکـمال
جوهره البهاء و الجـمال
مرتب فیه وجود الکل . . .^۸

حکمت

حکمت در اشعار ابن سینا نه تنها جایگاه خاصی دارد بلکه با توجه به طبع حکیمانه وی بطور کلی هاله ای از حکمت و فلسفه و تعقل تقریباً بر تمامی اشعار او سایه می افکند. اما از اشعار حکمت آموز وی می توان به نمونه ای زیر اشاره نمود:

هدب النفس بالعلوم لترقی
و ذر الکل فهی للکل بیت^۹

و مانند:

بگذر از دام مجاز و دور گرد از دام حس
هر که با دونان نشیند همت او دون شود
چون بود کامل کسی در خطر کون و فساد
کو نداند چون در آید یا از آنجا چون شود^{۱۰}
و مانند:

ای در دو نفس عمر تو افزاینده
بادی است نفس شونده و آینه
بر باد نهاده ای بنای همه عمر
بر باد کجـا بود بنا پاینده
و مانند:

ای کاش بدانمی که من کیستمی
سر گشته به عالم از پی چیستمی

گر مقبلم آسوده و خوش زیستمی
و مانند :

ور نه به هزار دیده بگریستمی^{۱۱}
یک موی ندانست ولی موی شکافت
آخر به کمال ذره ای راه نیصافت

دل گرچه در این بادیه بسیار شتافت
و اندر دل من هزار خورشید بتافت

و نیز مانند این قطعه :

روزکی چند در جهان بودم
ساعتی لطف و لحظه ای در قهر
با خرد را به طبع کردم هجو
آتشی بر فروختم از دل
با هواهای حرص شیطان
آخر الامر چون بر آمد کار
گوهرم باز شد به گوهر خویش
کس نداند که من کجا رفتم
و مانند :

بر سر خاک باد پیمودم
جان پاکیزه را بیالودم
بی خرد را به طمع بستودم
و آب دیده از آن پیالودم
ساعتی شادمان بغنودم
رفتم و تخم کشته بدرودم
من از این خستگی بیاسودم
خود ندانم که من کجا بودم^{۱۲}

پرسید ز من یکی که بیچون چون است
ما را سخن از چون و چرایش نرسد
و نیز :

بیچون ز گمان و وصف ما بیرون است
بیچون داند که حال بیچون چون است
لذات زندگی همه هیچ است پیش من
روز تنعم و شب عیش و طرب مرا
زهد :

با اینکه اشتهار ابن سینا در حکمت و فلسفه و طب می باشد اما اشعار زیبایی نیز در هر دو زبان
عربی و فارسی با بیان رمز گونه و نمادین در زمینه زهد و تصوف به وی منسوب است از ان
جمله :

هبت نسیم وصالکم سحرأ
فاهتز غصن العقل من طرب
و بدت شمس الوصل خارقة
فبقیت لا شی اعانیه
بحدائق للشوق فی قلبی
فتناثر دُرر من الحب
بشعاعها لسرداق القلب
الا ظننت بانه ربی

حتی احمد حامد الصراف معتقد است که هیچ کس همانند بوعلی سینا به عجز خود از درک
معرفت صفات واحد احد اعتراف نکرده است آنجا که می گوید :

اعتصام الوری بمعرفتک
تب علینا فاننا بشر
عجز الواصفون عن صفتک
ما عرفناک حق معرفتک
گرچه این سخن برگرفته از کلام معصومین علیهم السلام می باشد .
و مانند :

در پرده سخن نماند که معلوم نشد
در معرفتت چونیک فکری کردم
کم ماند ز اسرار که مفهوم نشد
معلومم شد که هیچ معلوم نشد

و مانند :

اگر دل از غم عالم جدا توانی کرد
و گر به آب ریاضت برآوری غسلی
نشاط عیش به باغ بقا توانی کرد
همه کدورت دل را صفا توانی کرد
ز منزلت هوس گر برون نهی قدمی
و گر ز هستی خود بگذری یقین می دان
که عرش و فرش و ملک زیر پا توانی کرد
تو نازنین جهان کجا توانی کرد
ز دست و پای امل را فرو توانی بست
چو بوعلی میر از خلق و گوشه ای بگزین
و نیز گفته است :

یک یک هنرم بین و گنه ده ده بخش
از باد فنا آتش کین بر مفروز
جرم من خسته حسبه لله بخش
ما را به سر خاک رسول الله بخش^{۱۵}

خمر

در میان اشعار منسوب به ابن سینا بعضاً خمریه هایی نیز یافت می شود اما خمریه های وی غیر از خمریه های الهیه ابن فارض و حافظ شیرازی است .
مانند :

قم فاسقها قهوة کدم الطلا
خمرأ تظل لها النصاری سجداً
یا صاح بالقدح الملايين الملا
و لها بنو عمران اخلصت الولا
قالست الست بر بکم قالوا بلی
و نیز در توصیف شراب گفته است :
نزل اللاهوت فی ناسوتها
قال فیها بعض من هام بها
هی و الکاس و ما مازجها
کنزول الشمس فی ابراج یوح
مثل ما قال النصاری فی المسیح
کاب متحد و ابن و روح^{۱۶}

این قطعه را نیز که در وصف شراب ساخته شده است بعضی از تذکره نویسان به او نسبت می دهند

غذای روح بود باده رحیق الحق
عقیق پیکر و یاقوت فام و لعل سرشت
به طعم تلخ ، چو پند پدر و لیک مفید
حلال گشته بتجویز عقل بر دانا
در قطعه ای دیگر می گوید :

جماعتی که همه کارشان به روز و به شب
ز بهر آن که ز می تو به کرده اند اول
اگر کریمی و صاحب مدلی هنرمندی
پیاله ای دو سه از می تن اولی سازد
هزار طعنه زنند و هزار بد گویند
و مانند :

می حاصل عمر جاودانست بده
سوزنده چو آتش است لکن غم را
و نیز در توصیف شراب می گوید :

صَبَّهَا فِي الْكَاسِ صَرَفًا
ظَنَّهَا فِي الْكَاسِ نَارًا
غلبت ضوء السراج
فطفها بالمزاج

اما دو بیت زیر را که شبیه خمیره ابن فارض و در عین حال مدحی فیلسوفانه از شراب است به شیخ الرئیس نسبت می دهند :

شربنا على الصوت القديم قديمة
و لو لم تكن في حيز قلت انها
لكل قديم اول و هي اول
هي العله الاولى التي لا تعلق^{۱۹}

که البته با توجه به ذوق فلسفی ابن سینا و نقد درونی ابیات اخیر انتساب این موارد به ابن سینا قطعی تر به نظر می رسد :

شکایت از روزگار و مردم حسود

یکی از موضوعات شعری ابن سینا شکایت از روزگار و مردم حسود آن بوده است او همچون حکمای سلف ، فریب و نیرنگ دنیا و ادبار آن از عقلاء را یاد آور شده و اقبال بر نابخردان و همراهیش با اشرار را گوشزد می کند :

اشکو الى الله الزمان فصرفه
محن الى توجهت فكأننى
ابلی جدید قسواى و هو جدید
قد صرت مغناطيس و هي حديد^{۲۰}

و در همین راستا دوران پیری را هم یادآور می شود :

تنفس فی عذارک صبح شیب و عسوس لیلہ ، فکم التصابی ؟

و در تعبیری دیگر می گوید :

الشیب یوعد و الايام و اعدة و المرء یغترّ و الايام تنصرم ^{۲۱}

در جای دیگر می گوید :

گمان بردم که در این روزگار تیره چو شب بخسفت چشم مروت بمرم مادر جود

ز سیر هفت ستاره در این دوازده برج به ده دوازده سال اندر این دیار و حدود

هزار شخص کریم از وجود شد به عدم که یک کریم نمی آید از عدم به وجود ^{۲۲}

ابن سینا همانطوری که از زندگی و دنیا با این ویژگی آزرده است از بد طینتی مردم حسود و هوا

- پرستی آنها و نیرنگ و مکر و حسدشان رنج می برد و از این جهت گرایش به عزلت و میل به

وحدت دارد اما چون گرفتار مردم است از گوشه گیری و انزوا ناتوان است لذا می گوید :

خلقت فیهم و ایضاً قد خلطت بهم کرها فلیس غنی عنهم و لالهم

اگرچه مقتضیات زمانه و شرایط زندگی او را وادار به معاشرت با این مردم نموده اما نفسش ابا

درد که در گفتار و رفتار و آراء و افکار ایشان شریک باشد زیرا جسمش با آنها ولی روحش دور

از ایشان است .

اخاطهم و نفسی فی مکان من العلیاء عنهم فی حجاب ^{۲۳}

ابن سینا بیشترین خشم و غضب خود را متوجه مردمی می نماید که بهره فراوانی از دنیا دارند اما

از فضیلت و مروت بی بهره اند :

لیسوا و ان نعموا عیسا سوی نعم و ربما نعمت فی عیسا نعم

الواجدون غنی العادمون نُهی لیس الذی وجدوا مثل الذی عدموا

و در نهایت با تحقیر این حسودان آنها را به بزهایی (بزهای کوهی) تشبیه می کند که شاخ به

صخره ها می کوبند و تنها شاخ خود را می شکنند :

عجبا لقوم یحسدون فضائلی ما بین عیسا بی الی عدالی

عتبوا علی فضلی و ذموا حکمتی و استو حشوا من نقصهم و کمالی

انی و کیدهم ما عتبوا به کالطود یحقر نطحه الاوعال

و اذا الفتی عرف الرشاد لنفسه هانت علیه ملامة الجها ^{۲۴}

با دقت در این ابیات متانت در سبک و آراستگی عبارات و استعمال صنایع بدیعی بی هیچ ضعف

و تکلفی رخ می نماید . شاید بتوان گفت بهترین نوع اشعار ابن سینا بعد از عینیه مشهورش از نظر

ذائقه شعری ، قدرت خیال ، استفاده از صنایع شعری همین اشعاری است که با احساسی متأثر از کم لطفی و بی عنایتی مردم زمانه اش و در دفاع از خود سروده است :

کفر چو منی گزاف و آسان نبود
محرکم تر از ایمان من ایمان نبود
درد هر یکی چو من و آن هم کافر
پس در همه دهر یک مسلمان نبود
و مانند :

با این دو سه نادان که چنین می دانند
از جهل که دانستنی جهان آنانند
خر باش که این جماعت از فرط خری
هر گونه خر است کافرش می خوانند
و در نهایت کار را به مفاخره می کشاند مانند :

لما عظمت فلیس مصر و اسعی
لما غلا ثمنی عدمت المشتري
و مانند :

بأی مأثرة ینفاس بی احد ؟
بأی مکرمة تحکینی الامم ؟^{۲۶}

ارجوزه های طبی ابن سینا و تاثیر آن در ادبیات

ابن سینا به عنوان حکیم و فیلسوف بزرگ دو کار مهم انجام داد :

۱) تالیف مجموعه های علمی ای که ضمن در بر داشتن آراء و افکار فلاسفه و اطباء و قبل از وی و اصلاح و تعدیل نظریات آنها دیدگاه خاص خویش را نیز در این زمینه بیان داشته است مانند کتاب الشفاء و الاشارات در فلسفه و کتاب قانون در طب . ۲) تدوین مولفات تعلیمی و کلاسیک به خاطر امکان حفظ و تسهیل در امر یادگیری . به همین جهت ابن سینا ارجوزه های ارزشمندی در منطق و طب سروده و آن را به خاطر آهنگ و تاثیر خاص بحر رجز و هماهنگی آن با فطرت و طبع بشری برگزیده است .

اولین کسی که بحر رجز را در شعر تعلیمی به کار گرفت ابان ابن عبدالحمید اللاحق متوفای سال دویست بود که ترجمه کتاب کليلة و دمنه را به نظم کشید و سپس برخی از ابواب فقه را جهت حفظ کودکان برامکه به صورت شعر درآورد و بعد از وی ابن عبدربه^{۲۷} ارجوزه مشهور خود را در عروض تالیف کرد . و به مرور زمان شعر تعلیمی به عنوان ابزاری آموزشی به کار گرفته شد و ابن سینا اولین کسی بود که آن را به عنوان وسیله ای برای تعلیم طب و منطق به کار گرفت و دامنه آن را به بحرهای عروضی کامل و طویل نیز کشانید . و با این که ارجوزه هایی از جمله الالفیه مشهور خود را در باب طب تدوین نمود اما غالب اصحاب تراجم به خاطر مزیت و اشتها تالیفات ارزشمندی همچون الشفاء و القانون به این فضیلت شیخ الرئیس عنایت کمتری مبذول داشته اند و مهمتر اینکه ابن سینا با این عمل خود راهی را برای مولفان و اطباء بعد از خود گشود که در باب تب ، حجامت ، تریاق ، اغذیه ، حفظ الصحة و سایر ابواب طب ارجوزه هایی از خود به یادگار گذارند .^{۲۸}

دکتر محمد مهدی البصیر ارجوزه های وی را در باب طب اینگونه بر می شمارد :

- الالفیه (ارجوزه فی الطب) ۱۳۱۶ بیت

- فی المجربات ۲۵۲ بیت

- فی التشریح ۱۶۸ بیت

- فی الفصول الاربعه ۱۴۰ بیت

- فی الاستدلال علی صحه البدن عن طریق النبض و البول ۱۱۱ بیت

- فی حجر الذخیره ۱۰۰ بیت

- فی التشریح (ارجوزه دیگری در تشریح) ۸۹ بیت

- فی تدبیر الصحه ۶۷ بیت

- فی الوصایا الطبیه ۷۳ بیت

- فی وصایا ابقراط فی القضايا الخمس و العشرین ۴۸ بیت^{۲۹}

جعل و انتحال

آنچه مسلم است این که در تذکره ها اشعاری به ابن سینا نسبت داده اند اما درستی این نسبتها را به هیچ روی نمی توان تأیید کرد زیرا اولاً در شرح حال و فهرستی که جوزجانی از آثار او داده است و در فهرستهای دیگری که از تالیفات نوشته های او در کتب متقدمان دیده می شود ذکر می میان نیامده است ثانیاً اشعار فارسی منسوب به شیخ غالباً در تالیفات و تذکره هایی نقل شده است که از زمان صفویه به این سوی تالیف یافته اند اما از سوی دیگر چون سرودن اشعار متضمن معانی حکمی خصوصاً به صورت رباعی در روزگار زندگانی شیخ رواج تمام داشته و کسانی چون ابوسعید ابوالخیر ، عمر خیام ، خواجه عبدالله انصاری و پیش از اینان رودکی ، شهید بلخی و دیگران از اینگونه اشعار می سروده اند نه تنها دور از احتمال نیست که شیخ نیز کلمات منظومی از قبیل آنچه به او نسبت داده اند سروده باشد^{۳۰} بلکه قدر مسلم آن است که وی قبل از عمر خیام رباعی سروده است و لی به هیچ وجه نمی توان تمامی آنچه را که به وی نسبت داده اند به کلی پذیرفت زیرا بسیار اتفاق افتاده که فردی رباعیاتی می سروده و به خاطر این که رواج و جاودانگی یابد آن را به فرد مقبول و مشهوری نسبت می داده است .

این مطلب در رباعیات منسوب به ایشان بیش از سایر اشعار مشهود است تا جایی که حتی بعضی از رباعی هایی را که فیتز جerald به خیام نسبت می دهد در مواردی به ابن سینا نسبت داده شده است مانند رباعی زیر :

گاویست در آسمان و نامش پروین	یک گاو دگر نهفته در زیر زمین
چشم خرد گشای کز اهل یقین	زیر و زبر دو گاو مثنی خر بین ^{۳۱}

و این اتفاق نه تنها در مورد یک یا چند رباعی افتاده است بلکه قصیده کاملی مرکب از ۵۲ بیت در مورد حمله مغول به بغداد و سقوط آن به هنگام تقارن مشتری با زحل در جدی که از نظر منجمان نحس ترین بروج است به وی نسبت داده شده ، حال آن که بین مرگ ابن سینا تا فروپاشی بغداد حدود ۲۲۸ سال فاصله است و مطلع قصیده نیز چنین است :

احذر بنی من القران العاشر و انفر بنفسک قبل نفر النافر

و قصیده دیگری نیز با همین مضمون به وی نسبت داده شده که ابن اصیبعه فقط دو بیت اول آن را اینگونه نقل می کند :

اذا اشرق المریخ من ارض بابل و اقترن النحسان فالحذر الحذر

فلا بد تجری امور عجیبه و لابد ان تاتی بلادکم التتر

شاید مهارت ابن سینا در فلک و ریاضیات جعل کنندگان را به چنین امری واداشته باشد اما ابن سینا و سایرین هر قدر هم که در نجوم مهارت داشته باشند نمی توانند با این دقت خبر از غیب دهند با این که اشتباهات واضحی از جنبه بلاغی در شعر رخ داده است که مجموعاً انتساب این قصیده به شیخ الرئیس را نفی می کند .^{۳۲} لذا به همان سخن نخست برمی گردیم که نمی توان تمام آنچه را که به وی نسبت داده شده کاملاً پذیرفت .

جایگاه ابن سینا در شعر

در هر حال با عنایت به آنچه که از اشعار ابن سینا در موضوعات مختلف به دست ما رسیده است تا حدودی می توان ویژگیهای شعر ابن سینا را در مورد بررسی قرارداد به شاعریت وی که بیانگر عواطف ، احساسات ، مقاصد و اغراض اوست پی برد . اما آنچه مسلم است این که صبغه فلسفی ابن سینا در اشعارش کاملاً مشهود است و بیش از آنکه وی یک شاعر باشد یک فیلسوف است و لذا به عنوان تفکه و رفع خستگی از بحثهای جدی حکمت و فلسفه به آن پرداخته و قطعاً سرودن شعر غرض اولیه وی نبوده است که اگر چنین قصدی داشته و زمانی را که صرف فلسفه و طب نمود اگر به شعر مصروف می داشت قطعاً در این میدان نیز گوی سبقت را از دیگران می ربود اما به چنین جایگاهی در شعر دست نیافته بلکه شعر او در درجه دوم است و چنین اشعاری که از غیر فیلسوف پذیرفته نیست از ابن سینای فیلسوف و طبیب که شعر اهمیت نخست را در زندگی وی نداشته کاملاً پذیرفته است .^{۳۳} و به خاطر همین روحیه فلسفی است که بیشترین توجه خود را به معنی معطوف می دارد و غالباً معنی را بر لفظ برتری می دهد لذا دیباچه اش گاه نیکو می نماید و گاه زشت . اما معانی ای را که به کار می گیرد (که گاهی نیز ابتکاری است) همیشه نیکو است . مانند بیت زیر در توصیف توالی نزول مصائب بر وی در برخی از دوره های زندگی:

محن الی توجـهت فکاننی قد صرت مغناطیس و هی حدید^{۳۴}

شعر او گرچه غالباً در بیان افکار فلسفی اوست و لی بعضاً از مضامین بدیع و لطیف خالی نیست و مطلع خمربه معروف ابن فارض گویی در صورت و مضمون از این بیت ابن سینا که در وصف شراب قدیم سروده وام گرفته شده است :

شربنا علي الصوت القديم قديمة
لکل قديم اول هی اول

کلام شیخ در هر دو مورد نظم و نثر متین و استوار است و از قدرت و تسلط وی بر زبان عربی حکایت می کند.^{۳۵}

نتیجه گیری

عمده شعر او را باید کلام منظوم دانست زیرا خالی از صنعت خیال است و مقام علمی و توجه شدیدی که به تجربه و تحقیق داشته است کمتر به او اجازه می داده تا خود را تسلیم خیال کند و در آن عالم به پرواز درآید و تخیلات ظریفه بنماید^{۳۶} و از طرف دیگر بیشترین اشعار وی از حوزه های علمی و اشعار تعلیمی است که در آن مجال کمتری برای جولان خیال می توان یافت و به طور خلاصه می توان گفت ابن سینا علاوه بر خدمتی که در حوزه فلسفه و طب به بشریت ارائه نموده فضیلت دیگری را نیز در زمینه شعر و ادب آنگونه که در فصلهای پیشین مطرح شد در تاریخ به نام خود ثبت نموده که متأسفانه این جنبه از زندگی وی در کنار اشتها فراوانش در طب و فلسفه نادیده گرفته می شود که امید است تلاش ادب دوستان گرد و غبار روزگاران را از چهره ادبی شیخ الرئیس بزدايد تا این جنبه از شخصیت وی نیز به روشنی بر اهل علم و ادب رخ نماید.

والسلام

منابع :

- ۱) بهشتی شیرازی ، سید احمد - رباعی نامه (گزیده رباعیات از رودکی تا امروز) ، انتشارات روزنه ، چاپ اول ۱۳۷۲
 - ۲) پارسی نژاد - ((بحث و تحقیق درباره بوعلی سینا)) ، چاپخانه فروردین ، اراک ۱۳۳۱
 - ۳) الطریحی ، محمد کاظم ((ابن سینا بحث و تحقیق)) مطبعه الزهرا (النجف الاشرف) ۱۹۴۹
 - ۴) العقاد ، عباس محمود ((الشیخ الرئيس ابن سینا)) دارالمعارف للطباعة و النشر بمصر
 - ۵) قنوتی شحاته - مولفات ابن سینا
 - ۶) مصطفی ، محمد حسنی ((ابن سینا معارفه الطبیه و الفلسفیه و الادبیه)) دارالقلم الوبی ، سوریه - حلب - الطبعة الاولى
 - ۷) مهدوی یحیی - فهرست نسخه های مصنفات ابن سینا - ۱۳۳۲ تهران
 - ۸) الكتاب الذهبی للمرجان الالفی لذكری ابن سینا ، بغداد ۱۹۵۲ - جامعه الدول العربیه - الاداره الثقافیة - القاهرة - مطبعة مصر - شركة مساهمة مصریة
 - ۹) دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۱۳۷۰
 - ۱۰) نسخه خطی ((جنگ اشعار از بوعلی)) به شماره ۵۰۱۵/۸ کتابخانه ملک تهران
 - ۱۱) نسخه خطی به شماره ۵۱۲۵/۱۱ کتابخانه ملک تهران
 - ۱۲) نسخه خطی به شماره ۴۵۷۳ کتابخانه ملک تهران
 - ۱۳) الارجوزة الطبیه ، لابن سینا به شماره ۵۱۹۹ کتابخانه ملک تهران
 - ۱۴) الارجوزة الطبیه ، لابن سینا به شماره ۴۵۷۳/۱۵ کتابخانه ملک تهران
 - ۱۵) الارجوزة فی الاستدلال علی صحه البدن عن طریق النبض او البول
- Islamic medical manuscripts at the national library medicine .**
- ۱۶) الارجوزة فی تدبیر الصحه فی الفصول الاربعه
- Islamic medical manuscripts at the national library medicine .**

پی نوشت ها :

- ۱) شریف محمد بدیع مقاله ابن سینا الشاعر - الكتاب الذهبی صفحه ۳۰۴
 - ۲) الصراف ، احمد حامد مقاله ادب ابن سینا العربی و الفارسی - کتاب الذهبی صفحه ۹۹ - ۹۸
 - ۳) شریف محمد بدیع - مقاله ابن سینا الشاعر - الكتاب الذهبی صفحه ۳۰۴
 - ۴) حکمت علی اصغر - مقاله القسم المنظوم من الاثار الفارسیه ابن سینا - الكتاب الذهبی صفحه ۹۱
 - ۵) الاب قنواتی جورج شحاقه - مولفات ابن سینا
 - ۶) الطریحی محمد کاظم - ابن سینا بحث و تحقیق - صفحه ۸۶
 - ۷) شریف محمد بدیع - مقاله ابن سینا الشاعر - الكتاب الذهبی صفحه ۳۱۰
 - ۸) جار الله زهدی - مقاله النزعة الانسانیة عند ابن سینا - الكتاب الذهبی صفحه ۲۶۰
 - ۹) العقاد عباس محمود - شیخ الرئيس ابن سینا صفحه ۱۳۰ - ۱۲۹
 - ۱۰) الصراف احمد حامد - مقاله ادب ابن سینا العربی و الفارسی - الكتاب الذهبی صفحه ۹۷
 - ۱۱) بهشتی شیرازی - سید احمد - رباعی نامه صفحه ۳
 - ۱۲) حکمت علی اصغر - القسم المنظوم من الاثار الفارسیه لابن سینا - الكتاب الذهبی صفحه ۹۶
 - ۱۳) الصراف احمد حامد - ادب ابن سینا العربی و الفارسی - الكتاب الذهبی صفحه ۹۹
 - ۱۴) شعر از ابوعلی سینا (مجموعه خطی به شماره ۶۲۶۰/۱۸ کتابخانه ملک تهران - صفحه ۲۰۵)
 - ۱۵) بهشتی شیرازی ، سید احمد ، رباعی نامه صفحه ۳۴۳
 - ۱۶) الصراف احمد حامد - ادب ابن سینا العربی و الفارسی - الكتاب الذهبی صفحه ۱۰۰
 - ۱۷) پارسی نژاد - بحث و تحقیق درباره ابن سینا صفحه ۶۱
- در نسخه خطی شماره ۵۰۱۵/۱۸ کتابخانه ملک بیت زیر نیز جزء ابیات این قطعه آورده شده است:
- به آن خدا که بجز آن خدا خدایی نیست چه می خورم همه اعضای من بگیرد حق
و در نسخه شماره ۵۱۲۵/۱۱ بیت دوم به صورت زیر آورده شده است :
- غضنفری شود ار جرعه ای چشید روبه همای شود اگر قطره ای بنوشد بق
- ۱۸) الصراف احمد حامد - ادب ابن سینا العربی و الفارسی - الكتاب الذهبی صفحه ۱۰۱
 - ۱۹) العقاد عباس محمود الشیخ الرئيس ابوعلی سینا صفحه ۱۲۹
 - ۲۰) العقاد عباس محمود الشیخ الرئيس ابوعلی سینا صفحه ۱۳۰
 - ۲۱) العقاد عباس محمود الشیخ الرئيس ابوعلی سینا صفحه ۱۲۸

- (٢٢) حكمت على اصغر - الاثار الفارسيه لابن سينا - الكتاب الذهبي صفحه ٩٧
- (٢٣) البصير محمد مهدي - شاعريه ابن سينا - الكتاب الذهبي صفحه ٣١٥
- (٢٤) البصير محمد مهدي - شاعريه ابن سينا - الكتاب الذهبي صفحه ٣١٥
- (٢٥) پارسی نژاد - بحث و تحقيق در باره ابن سينا صفحه ٧
- (٢٦) العقاد عباس محمود - الشيخ الرئيس ابوعلی سينا صفحه ١٢٩
- (٢٧) متوفای سال ٣٢٨ هجري
- (٢٨) كونس شارل - الارجيز الطبيه الكتاب الذهبي صفحه ١٤٢
- (٢٩) كونس شارل - الارجيز الطبيه الكتاب الذهبي صفحه ١٤١
- (٣٠) دائرة المعارف بزرگ اسلامي - جلد ٤ صفحه ٤٩
- (٣١) الصراف حامد احمد - ادب ابن سينا العربي و الفارسی - الكتاب الذهبي صفحه ١٠٣
- (٣٢) مصطفى محمد حسنى - ابن سينا معارفه الطبيه و الفلسفيه و الادبيه - صفحه ١٠٤ - ١٠٣
- (٣٣) العقاد عباس محمود - شيخ الرئيس ابن سينا صفحه ١٣٠
- (٣٤) البصير محمد مهدي - شاعريه ابن سينا - الكتاب الذهبي صفحه ٣١٧
- (٣٥) دائرة المعارف بزرگ اسلامي - جلد ٤ صفحه ٤٦
- (٣٦) پارسی نژاد - بحث و تحقيق درباره ابن سينا - صفحه ٥٦